

نوشته ای به قلم زنده یاد احد گودرز یانی

زخم جنگ بر بیکر پیرانشهر

احد گودرز یانی کنار مرتضی سرهنگی وهدایت الله بهبودی نشریه کمان را درمی آوردند. قلمش حرف نداشت و یکی از جاذبه های کمان بود. آقا مرتضی هروقت ذکری از احد به میان می آمد از توانایی هایش سخن به میان می آورد و با تحسین از او یاد می کرد. احد گودرز یانی فرهیخته کار بلد ی بود که بواسطه ویژگی های ذاتی خودش توانست کنار آقا مرتضی وهدایت الله بایستد وشانه به شانه این دو بساید. او جمعه پیش بی خبر پرکشید و رفت ودوستانش را تنها گذاشت. متنی که از بی می آید یکی از آثار اوست که به عنوان مدخل برای یک مجموعه دایرة المعارفی تدوین شده و برای چاپ در اختیار «ایران» قرار گرفته است.

شهرستان پیرانشهر یکی از شهرهای مرزی کشورمان در استان آذربایجان غربی قرار دارد که در طول دوران جنگ بارها از سوی نیروهای عراقی و نیروهای ضد انقلاب مورد هجوم قرار گرفت. این شهرستان از آن جهت در نقشه جغرافیایی دارای اهمیت است که راه ارتباطی با شهرهایی چون ارومیه، پاوه، نقده، سردشت و مهاباد دارد.

شهرستان پیرانشهر ۲ هزار و ۲۵۹ کیلومتر مربع وسعت دارد و در سال ۱۳۸۵ جمعیت آن ۱۱۲ هزار و ۹۹۴ نفر سرشماری شده است. مرکز شهرستان، شهر پیرانشهر است که در ۱۴۶ کیلومتری جنوب ارومیه و ۷ کیلومتری مرز عراق قرار دارد. پیرانشهر یکی از شهرهای گردشگری استان آذربایجان غربی است که به لحاظ موقعیت فرهنگی و تقسیم بندی مناطق گردشش جزو منطقه مکریان محسوب می شود. پیرانشهر در منطقه ای کوه پایه ای قرار گرفته که از شمال به شهرستان اشنویه، از جنوب به شهرستان سردشت، از شرق به شهرستان مهاباد، از غرب به کشور عراق، از شمال شرقی به شهرستان نقده، از شمال غربی به سیاه کوه و از جنوب غربی به کوه شیخان محدود می شود. به دلیل موقعیت سوق الجیشی خاص منطقه پادگان هایی در پیرانشهر مانند پادگان جلدیان، پادگان پیرانشهر و پادگان بزرگ پسوه احداث شده است. (در طول تاریخ) مردم پیرانشهر پس از آنکه با شور تمام در برابر حملات سپاهیان اسلام مقاومت به خرج دادند با حفظ بسیاری از سنن به دین اسلام گرویدند. اکنون حدود ۹۹٫۹۳ درصد مردم ساکن پیرانشهر مسلمان سنی مذهب شافعی هستند. گنتی است قبل از انقلاب اکثر جمعیت این شهر را مسلمانان شیعه مذهب (بیش از ۸۰ درصد) تشکیل می دادند ولی پس از انقلاب و در جریانات جنگ تحمیلی و همچنین به خاطر ناامنی هایی که حزب دموکرات در منطقه ایجاد کرده بود شیعیان به شهرهای مجاور مهاجرت کردند و هم اکنون درصد کمی از شیعیان در این شهر ساکن هستند. (۱)

آبان ماه سال ۱۳۵۸ اوج درگیری ها در پیرانشهر بود. (ضد انقلاب) دوم آبان به یگان های ارتش در پیرانشهر حمله کردند. ضد انقلاب مردم را تحریک کرده و به شکل گروهی راهپیمایی می کردند تا نیروهای محلی جایگزین ارتش و ژاندارمری شوند. آنها به هیأت حسن نیت فشار می آوردند تا قبول کند در آخر آبان ۵۸ نیروهای ارتش و مأموران انتظامی پیرانشهر را ترک کرده و در نهایت نیروهای نظامی و انتظامی در پادگان جلدیان در بیرون شهر مستقر شوند که در این کار هم موفق بودند. با این رویه حزب دموکرات در شهر مستقر شد، اما منطقه چنان که مردم انتظار داشتند امن نشد. باز هم گروه های ضدانقلاب به یگان های نظامی حمله می کردند، گروگان می گرفتند و اطراف شهر را نا امن می کردند. ضد انقلاب خیلی تلاش کرد تا بتواند پادگان های جلدیان و



پسوه را بگیرد. پانزدهم اسفند ۵۸ به پادگان جلدیان حمله کردند تا آن را تصرف کرده و سلاح و مهماتش را غارت کنند. ۱۹ خرداد ماه سال ۵۹ ستونی از نیروهای انقلاب عازم پیرانشهر شد و شهر را پاک سازی کرد. بعد از آغاز جنگ چند بار ضد انقلاب هماهنگ با ارتش عراق (بعد از آنکه هوایپماهای عراقی پیرانشهر را بمباران کردند) به شهر حمله کردند و نیروهای انقلاب را (که به مردم کمک می کردند) غافلگیر کردند. مردم که هماهنگی نیروهای ضد انقلاب با صدام را می دیدند بارها در شهر علیه ضدانقلاب تظاهرات کردند. (۲)

از سوی دیگر پیرانشهر در تهاجم ارتش عراق به مرزهای ایران در شهریور ۱۳۵۹ نیز چندین بار به وسیله هوایپماهای عراقی بمباران شد اما یگان های زمینی ارتش عراق وارد منطقه پیرانشهر نشدند. بعد از آزادسازی مناطق اشغالی جنوب کشور یگان های سپاه و ارتش چندین عملیات در منطقه مرزی پیرانشهر انجام دادند و قرارگاه رمضان نیز با همکاری نیروهای مسعود بارزانی، عملیات های نامنظم متعددی در مناطق گردشش شمال عراق اجرا کرد. پیرانشهر در طول جنگ ۶۵ بار هدف حملات هوایپماهای عراق قرار گرفت و بارها تپوخانه های ارتش عراق نقاط مسکونی این شهر را گلوله باران کردند. در جریان این حملات ۶۶۳ نفر از اهالی این شهر شهید و ۳۹۴ نفر مجروح شدند. (۳)

گروه های تجزیه طلب دموکرات، کومله، چریک های فدایی خلق (اقلیت) و سازمان مجاهدین (منافقین) با توجه به اهمیت جاده پیرانشهر- میرآباد- سردشت که به مواصلات مرز ایران و عراق قرار دارد اصلی ترین مقرهای خود را در روستاهای اطراف این جاده مستقر کرده بودند و در وضعیتی که ایران در حال جنگ با کشور عراق بود، سران این گروه ها تصمیم گرفته بودند با کمک ۴۰۰ نفر از نیروهای اتحادیه میهنی کردستان عراق، مانع از تسلط نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران بر این جاده شوند. در چنین وضعیتی، یگان های سپاه، ارتش و پیشمرگان مسلمان کرد با پشتیبانی نیروهای حزب دموکرات کردستان عراق موفق شدند در چند مرحله عملیات که از دو سمن این جاده (پیرانشهر و سردشت) انجام شد، گروه های شورشی را سرکوب و عبور و مرور در این جاده غیرآسفالته را که بسیار باربریک و صعب العبور بود، برقرار کنند. عملیات پیرانشهر در ۵ مرحله انجام شد. در این عملیات ها که از اول تا آخر مهر سال ۱۳۶۱ طول کشید ۳۸ نفر از نیروهای خودی شهید؛ ۸۷ نفر مجروح و ۱۴ نفر مفقود با اسیر شدند و ۴ نفر از نیروهای خودی که قبلاً به اسارت گروه های ضدانقلاب راکه آمده بودند، آزاد شدند. از گروه های شورشی نیز ۲۱۰ نفر کشته و حدود ۳۵۰ نفر مجروح شدند. آزادسازی این جاده آنقدر اهمیت داشت که شهادت ناصر کاظمی و محمدعلی گنجی زاده دو نفر از فرماندهان عالی رتبه قرارگاه حمزه سیدالشهدا که نقش تعیین کننده ای در موقعیت این منطقه داشتند توانست مانع از تداوم آن شوند و یگان ها تا آزادسازی کامل جاده به عملیات ادامه دادند. (۳)

- حماسه های پایداری- سردار رستگار پناه، سردار اصفهانی- ستاد مرکزی راهیان نور- ص ۶.
- بحران بالا می گیرد- نشر فاتحان ۱۳۸۹- ص ۸۴ و ۸۵
- آذربایجان غربی در جنگ با ضد انقلاب و دفاع مقدس- رضا صادقی- مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس- ص ۶۴ و ۹۰



سیدم



وحدت و اتحاد همه اقوام و اقلیت ها یکی از دلایل پیروزی و موفقیت ایران اسلامی و نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران در همه برهه ها بوده است و می بایست با درک تازه از این اتحاد و همبستگی در حفظ و پاسداری آن در برابر توطئه های دشمنان اسلام و انقلاب کوشا باشیم

را در واژه هایی چون وطن و استکبارستیزی به نمایش گذاشت. هموطنان مسیحی با حضور داوطلبانه در عرصه جنگ، از خط مقدم تا پشتیبانی و تدارکات و تقدیم صدها شهید، مفقودالثر، جانباز و آزاده، کارنامه سرافرازی و رشادت های خود را در این سرزمین ثبت کردند. چنانکه رهبر معظم انقلاب فرمودند: «اقلیت مسیحی، هم ارامنه و هم آشوری، سریلند بیرون آمد در انقلاب و جنگ، به عنوان یک ایرانی وفادار عاقل بصیر شجاع» (دیدار رهبر انقلاب اسلامی با خانواده شهید آشوری «روبرت لازار» ۱۳۹۴/۱۰/۶.

رهبر معظم انقلاب با توجه به اهمیت و ارزش بالای خانواده های شهدای مسیحی و لزوم احترام و توجه ویژه نسبت به آنها، از همان ابتدای جنگ، عنایت خاصی به این خانواده ها داشتند و حضور در منازل شهدای مسیحی و ابراز محبت و توجه و گفت وگویی رو در رو با صمیمانه با خانواده های این شهدای معزز از برنامه های ایشان بوده است. برآستی که وحدت و اتحاد همه اقوام و اقلیت ها یکی از دلایل پیروزی و موفقیت ایران اسلامی و نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران در همه برهه ها بوده است و می بایست با درک تازه از این اتحاد و همبستگی در حفظ و پاسداری آن در برابر توطئه های دشمنان اسلام و انقلاب کوشا باشیم.

هموطنان مسیحی وقتی با تجاوز دشمن به خاک کشورمان مواجه شدند خود را جدا از سایر هموطنان ندانسته و همپای آنان عازم جبهه های جنگ شدند و بدون هیچ تعللی به صف مدافعان پیوسته و سهم خود را در نبرد با دشمنان و حفظ استقلال کشور ایفا کردند.

به یقین در کنار انگیزه های ملی، تعالیم معنوی در حضور فعال آنان در جبهه های نبرد حق علیه باطل اثر بسزایی داشته است چرا که با نگاهی به تعالیم حضرت مسیح (ع) درمی یابیم که در این دین نیز همچون سایر ادیان الهی مقام والایی برای کسانی که در راه دفاع از آرمان های الهی جان خود را فدا می کنند ذکر شده و به شهداد در راه دین و ایمان بسیار تأکید شده است. می توان گفت انقلاب اسلامی و هشت سال دفاع مقدس میراث فرهنگی و سیاسی گرانبهائی است که توسط تمام اقوام و اقلیت های دینی خلق شد و در این میان هموطنان مسیحی نیز در خلق آن نقش مهمی داشتند.

آنان به علت دلبستگی به میهن در وحدت و اتحادی بی بدیل و با همدلی دوشادوش هموطنان مسلمان خود اعم از شیعه و سنی در صحنه های دفاع از اقتدار و استقلال ایران ظاهر شدند. ایثارگری، اسارت، جانبازی و شهادت تعداد زیادی از مسیحیان در طول جنگ تحمیلی جلوه باشکوه ای از وحدت کلمه ایرانیان

حضرت علاوه بر موعظه مردم، بیماران را شفا می دادند، پاور مستضعفان و محرومان بودند. به زنان و کودکان احسان می کردند، با تندروری های برخی متعصبین مبارزه می کردند و مردگان را به این خدا زنده می کردند. به منظور گرامیداشت میلاد حضرت مسیح (ع) در آیین مسیحیت جشنی با عنوان کریسمس برگزار می شود. مسیحیان در سراسر جهان این روز مبارک را جشن می گیرند. این روز اگرچه عیدی مسیحی است اما نزد مسلمانان و ایرانیان نیز بسیار گرامی می باشد.

این مناسبت فرصتی است تا به نقش هموطنان مسیحی در دوران هشت سال دفاع مقدس اشاره ای داشته باشیم؛ چرا که بی تردید یکی از گروه هایی که در دوران دفاع مقدس در مبارزه با دشمنان و برای حفظ و حراست از آب و خاک ایران اسلامی ایستادند و جنگ تحمیلی را به صحنه تبلور عزیمت ملی در دفاع از ایران اسلامی تبدیل کردند هموطنان مسیحی بودند. در جنگ تحمیلی مسائل فرعی کنار گذاشته شد و همگان اعم از مسیحی و مسلمان یکپارچه به میدان آمدند و همین اتحاد در کنار سایر عوامل باعث به سرانجام رسیدن دفاع مقدس و پیروزی نظام مقدس جمهوری اسلامی در برابر تمامی دسیسه ها و اقدامات رژیم بعثی عراق و قدرت های استکباری شد.

معمومه غفوری

حضرت عیسی بن مریم (ع) پیامبر بزرگ الهی در روز ۲۵ دسامبر سال اول میلادی، ۶۲۲۰ سال قبل از هجرت پیامبر بزرگ اسلام (ص)، در بیت لحم واقع در سرزمین فلسطین به دنیا آمد. ماجرای تولد حضرت مسیح (ع) به صورت مفصل در قرآن در سوره آل عمران و سوره مریم بیان شده است. واژه عیسی اصل آن «یسوع» و به معنی نجات دهنده است. آن حضرت یکی از پیامبران اولوالعزم هستند که لقب ایشان «مسیح» به معنای مبارک است. نام آن حضرت در قرآن کریم، با فضیلت و عظمت همراه شده و به عنوان «عبدالله، کلمه خدا، روح خدا و تأیید شده به روح القدس» مختصر گشته و ۴۵ بار در قرآن با نام «عیسی» و در چند مورد با لقب مسیح از آن حضرت یاد شده است. مادر ایشان، حضرت مریم (س)، دختر عمران یکی از بانوان برگزیده و پاکدامن عالم است که به مقام قرب حق تعالی رسیدند و یکی از چهار بانوی مقدس و برگزیده عالم هستند که فضیلت های بی شماری دارند.

حضرت عیسی (ع) در سن ۳۰ سالگی به پیامبری معیوت شدند و پیوسته بنی اسرائیل را به پرستش خدای یکتا دعوت می کردند. آن

به مناسبت اولین سالگرد درگذشت حمید هوشنگی معاون ستاد تبلیغات جنگ

من حمید هوشنگی خبرنگار جنگ

عملیات جنگ است. ستاد تبلیغات جنگ هم آنجا بی اتاق داشت و یک نفر حق داشت تا به آن اتاق رفت و آمد کند و آن یک نفر هم از خوشی حادثه ای بدی حادثه من بودم. چون کارت ستاد جنگ را داشتم. من خواهش کردم از قسمت فنی خبرگزاری که به اتاق ستاد تبلیغات جنگ در قرارگاه خط تلکس کشیدند تا با آن تلکس ارتباط ما مستقیم با دفتر خبرگزاری در تهران و ستاد تبلیغات جنگ برقرار باشد و آخرین اخبار روز عملیات تا دوازده شب که در مونیترینگ خبرگزاری و در تلکس خبرگزاری و در قسمت های مختلف اتاق اخبار جنگ تهیه شده بود به مقرر فرماندهی مخابره شود. آنجا ما دستگاه چاپ و استنسیل برده بودیم و اجازه گرفته بودیم تا دو سه نفر را به تیم خودمان اضافه کنیم. در آنجا از ساعت ۳ تا ۵ صبح بولتنی را آماده می کردیم و ۵ صبح برای فرماندهان ستاد تبلیغات جنگ می فرستادیم. وقتی ۵ صبح آن فرمانده و آن نفر مؤثر در جنگ بولتن را ورق می زد می دانست تا ساعت ۳ صبح رادیو بغداد راجع به این عملیات چه گفته، رادیو بی بی سی چه گفته، رادیو آمریکا چه گفته، تلویزیون های مختلف دنیا اینجا چه گفته اند. خبرگزاری ها چگونه گزارش کرده اند؟ اتاق شنود خبرگزاری تعداد زیادی از رادیوهای خارجی را شنود می کرد. دستگاه های متعددی بود که رادیوهای بیگانه را ۲۴ ساعته شنود می کرد. رادیو بغداد هم ۲۴ ساعته شنود می شد. اخبار فارسی وانگلیسی و عربی خیلی از کشورهای منطقه شنود می شد. خیلی از قسمت های خبرگزاری کار مکتوب انجام می دادند. این شنودها خیلی مؤثر بودند و در همان بولتن ها هم می آمد. درواقع رادیو بغداد برای تبلیغات خودش اگر اسیری را احیاناً می گرفت و نحوه تبلیغاتی که در هر عملیاتی انجام می داد برای ما مهم بود و مفید بود تا ببینیم که آنها چگونه برخورد می کنند با مسائل جنگ. آنها با اسرای جنگ مصاحبه می کردند.

«حمید هوشنگی» از روزنامه نگاران برجسته و پیشکسوت بود که در رشته روزنامه نگاری تحصیل کرده و کار خود را از سال ۱۳۵۲ در رادیو و تلویزیون ملی ایران آغاز کرد. از سال ۱۳۵۹ سمت های مختلفی در خبرگزاری «پارس» (ایرنا فعلی) برعهده گرفت. از معاونت خبر تا مدیریت دفتر ایرنا در لندن. او در زمان جنگ ایران و عراق، معاون ستاد تبلیغات جنگ بود و در امور رسانه ای جنگ نقش مؤثری داشت. او سال گذشته بر اثر بیماری درگذشت و جایش همچنان در میان اصحاب قلم خالیست. متن زیر زندگینامه خودنوشت وی است.

من حمید هوشنگی هشتم قبل از انقلاب در رادیو تلویزیون جام جم بودم، برای سه سال، بعد سال ۱۳۵۶ استعفا دادم و رفتم برای ادامه تحصیل، بعد به ایران برگشتم. در هفته دوم بعد از انقلاب، اواخر بهمن ۵۷ مسئول ریزانهای انقلاب شدم. تا مرداد ۵۸، بعد از آن به عنوان رابین فرهنگی مطبوعاتی ایران به سفارت جمهوری اسلامی ایران در لندن رفتم. در ۱۳ تیر ۵۹ به عنوان یکی از همکاران آقای دکتر خرازی به خبرگزاری جمهوری اسلامی که آن زمان خبرگزاری پارس نامیده می شد رفتم تا اینکه جنگ شروع شد. بعد از جنگ بلافاصله من شدم مدیر اخبار، پادم می آید که آقای دکتر خرازی دو سه روز بعد از جنگ و در زمانی که مدیرعامل خبرگزاری بودند تشریف بردند به جبهه، وقتی از جبهه برگشتند شورای عالی دفاع ایشان را به عنوان مسئول ستاد تبلیغات جنگ منصوب کردند. خبرگزاری به نوعی شد پایگاه آن تشکلی که با عنوان ستاد تبلیغات جنگ شکل گرفت. دو هفته یا یک هفته قبل از هر عملیاتی یک ساختمان بزرگ زیر زمین احداث می شد، شاید به عمق ۱۰ متر، یک ساختمان ۱۲۰ اتاقه ساخته می شد، روی آن را با خاک می پوشاندند و با عوامل طبیعی استتار می کردند. حتی روی آن درخت و درختچه می کاشتند. تا معلوم نباشد اینجا ستاد



دک

مرحوم حمید هوشنگی نفر اول از سمت چپ



بعد از جنگ بلافاصله من شدم مدیر اخبار، پادم می آید که آقای دکتر خرازی دو سه روز بعد از جنگ و در زمانی که مدیرعامل خبرگزاری بودند تشریف بردند به جبهه، وقتی از جبهه برگشتند شورای عالی دفاع ایشان را به عنوان مسئول ستاد تبلیغات جنگ منصوب کردند

طبیعی است ما هم این کار را می کردیم. به محضی که اسامی اسرا گفته می شد، ذخیره می کردیم. تمام آن برنامه های رادیو بغداد را برای ۸ سال ۲۴ ساعته شنود کرده بودیم. این اسامی پیاده می شد، اسامی سریعاً به هلال احمر داده می شد. هلال احمر آن اسامی را به صلیب سرخ می داد و از این طریق ما عزیزان داشتیم و صدایش بخش شده بود آن را به صلیب سرخ گزارش کنند. به همین علت من فکر می کنم تعداد زیادی از اسرای جنگ با فعالیت قسمت شنود، اسامی شان ثبت شد و توانستند جان به در برند از کشتاری که عراق در رابطه با اسرای ما متأسفانه انجام می داد. از شهدای خبرگزاری در دوران جنگ مرحوم احمد اخلاص که از بچه های باصفای یزد بود، مرحوم علی نبی پور انگری از بچه های آذربایجان بود که فکر می کنم در

عملیات جنگ است. حسین فرهادی کوهپایه بودند که تصور می کنم شهید شدند. حسین شامن و آقای گودرزی بودند که عکاس خبرگزاری بودند. قطعاً باید یاد کرد از جاویدالارمحمد کاظم اخوان از بچه های خوزستان که تمام صحنه های جنگ تا زمانی که در لبنان روده شد را ثبت کرد. بعداً گفته شد که به اسرائیل برده شده است. او در جنگ شرکت داشت عکس هایی که ایشان گرفته بسیار زنده است. در خط اول جبهه بود. گاهی اوقات در عکس هایش می بینید که گرد و خاک به دلیل اصابت گلوله یک خمپاره یا توپ برخاسته است. بسیار آدم نترسی بود. عکس های فوق العاده ای دارد و باید همیشه در یادش بود. من در مصاحبه هایی که در انگلستان داشتم از ایشان یاد کردم و نام بردم و گفتم که ما خودمان قربانی گروگانگیری بوده ایم. کاظم همراه سه دیپلمات دیگر ریهود شد. توسط گروه سمیر جعجع از فالانژهای لبنان و بعداً به اسرائیل برده شد.